پیشخوان

«نقش بهائیت در فتنه ۸۸»
در آیینه مجموعه‌ای از اسناد

روزی ننگین برای فرقه‌ای ضاله

■ **شاهد توحیدی**

اثری که هم اینک در باره آن سخن می‌رود، سعی دارد تا نقش فرقه بهائیت در فتنه سال ۱۳۸۸ را با اتکا به بخشی از اسناد موجود بازنمایاند. «نقش بهائیت در فتنه ۸۸» از سوی کارگروه جمهوری اسلامی مرکز اسناد انقلاب اسلامی تدوین و منتشر شده است. تارنمای ناشر در یادداشتی کوتاه، در باب موضوع این اثر آورده است: «نقش دولت‌های بیگانه در شکل‌گیری و قوام فرقه بهائیت و اقدامات و اهداف آنان علیه ایران، بر کسی پوشیده نیست. این حزب سیاسی با بدعت‌های زشت بنیانگذاری شد و در دامان بیگانگان پرورش یافت. در دوران حکومت پهلوی و جهت انزوای اسلامِ شیعی، بهائیت مورد توجه دستگاه حکومت بودِ و بسیاری از بهائیان به مناصب بزرگ حکومتی رسیدند و بالطبع در تأمین منافع بیگانگان کوشیدند. با پیروزی انقلاب اسلامی - که دیگر مجالی برای تحقق اهداف شوم این فرقه باقی نمانده بود- بهائیان از طریق همدستی با استکبار، در تضعیف نظام اسلامی کوشیدند و به انحاء مختلف درصدد تبلیغ مرام خود برآمدند. انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث متعاقب آن عرصه‌ای بود تا دوباره بهائیان با اشاره محافل بیگانه، علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه کنند. پیش از انتخاباتِ این دوره، بهائیان به دلیل بی‌علاقگی به سرنوشت ایران در هیچ انتخاباتی شرکت نمی‌کردند و اساساً خود را ایرانی نمی‌دانستند! اما این بار که اراده محافل بهایی بر شرکت در انتخابات و رأی دادن به نامزد مشخصی قرار گرفته بود، پیروان خود را به شرکت فعال

نمایی از اغتشاش در شهر تهران در پی انتخابات سال ۸۸

فراخواندند! مردم ایران که با حضور ۴۰میلیونی خود در انتخابات، دشمنان خارجی را در تحقق نقشه‌هایشان ناکام گذاشته بودند، این بار نیز دست رد بر سینه ایادی داخلی آنان زدند. حوادث بعد از انتخابات و اغتشاشات سران فتنه باعث شد که گروه کوچک بهائیان نیز به گروه‌های آشوبگر بپیوندند و در خیابان‌ها با نیروهای امنیتی درگیر شوند. به علاوه رسانه‌های غربی و در رأس آنها تلویزیون فارسی بی. بی. سی نیز با تبلیغ و حمایت گسترده از بهائیان، آنها را به حضور در خیابان‌ها تشویق می‌کردند. با دستگیری برخی از شرکت‌کنندگان بهایی در اغتشاشات و اعترافات آنان، نیت پلید این فرقه در ضربه‌زدن به نظام اسلامی مشخص گردید. اثر پیش‌رو شامل برخی بازجویی‌ها از دستگیرشدگان بهایی در اغتشاشات روز عاشوراست که دقت در اعترافات و اقاریر آنها بسیاری از ابعاد و ماهیت فتنه ۱۳۸۸ را روشن می‌سازد....»

سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی در اشارتی دیگر در باب نقش مخرب بهائیت در وقایع عاشورای سال ۱۳۸۸، خاطرنشان می‌کند: «وقایع عاشورای سال ۱۳۸۸ و فعالیت‌ها و آشوبگری‌های عناصر مخرب در این روز، یکی از ننگین‌ترین صفحات پرونده فتنه‌گران است. در روز عاشورا و در حالی که مردم ایران مشغول عزاداری برای اباعبدالله الحسین(ع) و یارانش بودند، فتنه‌گران با برنامه‌ریزی قبلی و در راستای پروژه‌ای از پیش طراحی شده، دست به آشوب زدند! در این میان یکی از گروه‌های فعال در آشوب‌های عاشورای ۸۸، فرقه بهائیت بود. اعضای این فرقه ضاله با ورود به جریان اغتشاشات و با حضور در بیشتر تجمعات غیرقانونی در روز عاشورا، به ایفای نقش پرداختند که این موضوع در اعترافات اعضای این فرقه کاملاً نمایان است. عناصر بهایی در روز عاشورا به چند گروه دو، سه و چهار نفره تقسیم شده و هر گروه به‌صورت سواره یا پیاده، در مسیرهای مورد نظر موج فتنه قرار گرفته و اوضاع اغتشاشات را به یکدیگر گزارش می‌دادند....»

نمایی از حضور شیخ ابراهیم زکزاکی در برنامه جماران

تحلیلی بر خاطرات نوگفته شیخ ابراهیم زکزاکی درباره امام خمینی و انقلاب اسلامی

انقلابی آرام با تکیه بر بصیرت‌افزایی دینی

■ **مریم صادقی‌پری**

شیخ ابراهیم یعقوب زکزاکی، حلقه وصل انقلاب اسلامی ایران با انجمن دانشجویان مسلمان نیجریه و به تبع آن توده مردم این کشور بود. وی در ۱۵ شعبان ۱۳۷۲ق (۱۳۳۲ش)، در شهر زاریا و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد که فعالیت سیاسی و ضداستعماری در آن پیشینه طولانی دارد، به گونه‌ای که جد شیخ زکزاکی از فقهای عصر و زمانه خود و از مبارزان با استعمار در آفریقا بود. او قرآن را نزد پدر فرا گرفت و در ۱۰ سالگی، حافظ مصحف شریف شد. وی پس از اتمام دوره دبیرستان و برای تحصیل در رشته اقتصاد، وارد دانشگاه احمد بلّو شد. تحصیل در دانشگاه، زمینه پیوستن او به انجمن دانشجویان مسلمان را فراهم کرد. زکزاکی به مرور، به عنوان یکی از اعضای فعال انجمن شناخته شده و به یکی از سران آن بدل شد و در کنار فعالیت‌های تبلیغی به مبارزه با مظاهر غیراسلامی در دانشگاه پرداخت. او به عنوان معاون بین‌الملل این انجمن به کشورهای مختلف سفر و با رهبران مسلمان دیدار کرد. زکزاکی از سوی یکی از اساتید خود با امام خمینی آشنا و در ۱۹۸۰م و اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به ایران دعوت شد. شیخ زکزاکی از مخالفان سرسخت امریکا و مدافعان جدی مردم فلسطین است. او برای ترویج تشیع همه هستی خود را در طبق اخلاص گذاشته و جان خود و خانواده‌اش را فدای این راه مقدس کرده است! چندی قبل اولین گفت‌وگوی تلویزیونی شیخ ابراهیم زکزاکی با صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در برنامه «جماران» شبکه اول پخش شد. این مقال در تحلیل نگاه وی به امام خمینی و انقلاب اسلامی به نگارش در آمده است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

■ **شنیدن نام امام خمینی برای آغازین بار**

ابراهیم زکزاکی برای اولین بار، نام امام خمینی را در دوران دانشجویی و از زبان استادش شنید. استاد برای تفهیم کلیدواژه «نفوذ»، نخست به جایگاه شاه ایران که دارای قدرت و فاقد نفوذ است، اشاره می‌کند و در ادامه نام رهبر دینی مردم ایران امام خمینی را که در تبعید و شرایط دشوار به سر می‌برد می‌آورد که دارای نفوذ است اما از قدرت برخوردار نیست! دو سال بعد در مقطعی که امام در پاریس اقامت گزیده بود، با مطالعه اخبار و مصاحبه‌های ایشان در روزنامه‌ها، مجلات و تلویزیون‌های مختلف، به اتفاقاتی که در ایران در حال وقوع است، علاقه‌مند و با رهبر انقلاب اسلامی آشنایی بیشتری می‌یابد و بسیار تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در این زمان یک جنگ ایدئولوژیک بین مسلمانان و کمونیست‌های نیجریه برای مبارزه با حکومت دست‌نشانده مورد حمایت امریکا در حال شکل‌گیری بود که هر کدام خواهان مبارزه بر اساس مرام و مسلک خود بودند. آنچه در ایران اتفاق افتاد، انگیزه‌های آنها را تقویت کرد.

■ **همه مردم می‌توانند «ارتش» باشند!**

زکزاکی به عنوان اندیشمندی جوان، به نیکی با اندیشه سیاسی امام خمینی آشنا شد و آن را در مسیر مبارزه با استعمار و استبداد در کشورش به کار بست! به گفته خودش: «ما قبل از انقلاب ایران به این فکر می‌کردیم که چگونه می‌توانیم اسلام را به شکوه خودش بازگردانیم. خیلی‌ها فکر می‌کردند که باید وارد حکومت شوند و آن را از درون تغییر دهند. بعضی‌ها هم فکر می‌کردند که باید از اسلحه استفاده کنند و بجنگند، اما امام راه دیگری را به ما نشان داد. اینکه همه مردم می‌توانند ارتش باشند. لازم نیست در حکومت نفوذ کنید یا اسلحه به دست بگیرید، شما مردم را به قیام دعوت و آنها را بیدار کنید. هر زمان مردم بیدار شوند، می‌توانند نظام را تغییر دهند. این چیزی است که ما از امام یاد گرفتیم. انقلاب تغییر حکومت نیست، بلکه تغییر مردم است. تغییر مردم از درون است که نگرش آنها را تغییر می‌دهد. هرگاه تفکر مردم تغییر می‌کند، تحول اساسی پیش می‌آید و امام این کار را انجام داد و انقلاب مردم را با تغییر افکار آنان شکل داد....»

شیخ زکزاکی در نیجریه توانست انقلابی آرام و بدون توسل به خشونت را پیش بَرد. انقلاب او، صرفاً بصیرت‌افزایی در مردم محروم و مستضعف نیجریه بود. به توصیه اتاق فکرهای امریکا و اسرائیل، دولتمردان نیجریه برای جلوگیری از نفوذ روزافزون شیخ در بین مردم و گرایش آنها به اسلام انقلابی، احساس خطر و هر روز به بهانه‌های مختلف به طرفداران شیخ حمله و آنها را شهید یا زخمی می‌کردند! غافل از اینکه پس از هر کشتار، نه تنها از طرفداران شیخ در نیجریه کم نمی‌شود، بلکه دیگر کشورهای آفریقایی نیز به خیل طرفداران وی می‌پیوندند! شیخ از همان ابتدای شروع جنبش با مسلح شدن مخالف بود و می‌گفت: «ما به سلاح نیاز نداریم! فقط باید به بیداری مردم بپردازیم تا جامعه قانع شود و خودش حقیقت را دریابد، همان اتفاقی که در ایران افتاد....» شیخ متأثر از مکتب امام خمینی معتقد است که خود مردم باید تغییرات بزرگ را رقم بزنند. تغییر یک فرآیند تدریجی است که با اصلاح و تهذیب درونی افراد آغاز می‌شود و زمانی که جامعه آماده تحولات شد، تغییرات کلی مورد نظر در امت اسلامی پدید خواهد آمد.

■ **مشاهده عکس امام در حال اقامه نماز**

شیخ زکزاکی برای نخستین بار و با مشاهده تصویری از امام خمینی، مجذوب شخصیتی شد که او را ندیده بود! اما با تمام وجود، شیفته دیدارش شد. او روایتی از دیدن تصویر امام در حال نماز بیان کرد که تأثیر زیادی بر بینندگان داشت: «یکی از پسران خواهر کوچک‌ترم به منزل ما آمد و عکس امام را بر دیوار دید. از من پرسید که آیا این عکس، عکس حضرت محمد (ص) است؟ به او گفتم این عکسِ حضرت محمد (ص) نیست، بلکه یکی از فرزندان اوست. این عکس روی یک پسر پنج ساله تأثیر گذاشت، دقیقاً همان‌طور که ما او را دیدیم. در پاریس عده‌ای از درختان بالا می‌رفتند تا لحظه‌ای امام را ببینند! زمانی که او در نوفل لوشاتو در نزدیکی پاریس بود، می‌دانید که چه تأثیری بر مردم فرانسه داشت و البته وقتی به امثال من می‌رسید، تأثیر بیشتری می‌گذاشت و این فقط در مورد عکس‌هاست. چه رسد به سخنان او که تأثیرات افزون‌تری داشت....»

انقلاب اسلامی منجر به ایجاد تحرک و انگیزه در سایر مسلمانان شد. آگاهی سیاسی آنان از هویت مذهبی خویش بیش از هر زمانی موجب ترمیم روحِ درهم شکسته و خسته آنان گردید و نوعی برانگیختگی را در میان جمعیت‌های مسلمان برای حرکت به سمت تغییر اوضاع حاکم بر آنان به وجود آورد. الگوی انقلاب اسلامی برای مسلمانان مستضعف آفریقایی، همچون گمشده‌ای بود که آن را در افکار چپ مارکسیستی دنبال می‌کردند و اکنون مدل اسلامی، آرمان تغییر و نیل به آرمان‌های دیرین را در دسترس ایشان قرار داده بود.

■ **امام، نمادی از تغییر به سوی اسلام**

اواسط دهه ۱۹۷۰، اختلاف در بینش مذهبی، مشکلات اقتصادی، مشکلات سیاسی و فساد اقتصادی ناشی از حکومت نظامیان، برخی از اعضای انجمن دانشجویان مسلمان از جمله ابراهیم زکزاکی را با این ایده که تنها راه‌حل مشکلاتی که نیجریه با آن مواجه بود، بازگشت به اسلام و اجرای دستورات آن است، به دامان اسلام سیاسی و اجرای قانون شریعت سوق داد. به گفته او: «مردم مسلمان در نیجریه، دارای پیشینه‌ای طولانی هستند. تغییرات بزرگی در این کشور رخ داد. تغییری اسلامی که صد سال قبل از آمدن استعمارگران رخ داد. سپس استعمارگران آمدند و حدود ۶۰ سال بر کشور حکومت کردند. پس از استقلال و برای صد سال، مردم مسلمان می‌خواستند به آنچه پیش‌تر دست یافته بودند، برگردند، چراکه قبل از آمدن استعمارگران، آنها تحت امر یک حکومت اسلامی بودند و می‌خواستند به آن نظام بازگردند. حدود ۲۲۰ سال پیش در نیجریه انقلابی توسط یکی از علما به نام شیخ عثمان‌بن فودیو رهبری شده بود. مردم نیجریه بلافاصله وقتی امام را دیدند، او را به شیخ عثمان تشبیه کردند! بنابراین درک شخصیت ایشان برای آنان بسیار آسان بود. درک اینکه او نمادی از تغییر به سوی اسلام است، برای مردم مسلمان نیجریه دشوار نبود. آنها هنوز شیخ عثمان و تغییری را که او به وجود آورد به یاد داشتند و می‌دانستند که آن را به استعمار باخته‌اند و حالا نمی‌دانستند که چگونه می‌توانند به آنچه از دست دادند، برگردند. با دیدن امام و توانایی ایشان در اجرای اسلام در عصر حاضر، بسیاری از مردم امیدشان را دوباره به دست آوردند. خیلی از مردم امیدشان را کاملاً باخته بودند و تنها به ظهور امام زمان (عج) امید داشتند، ولی آشنایی با امام خمینی این امید را به آنها داد که آنچه در ایران رخ داده، با وجود تفاوت‌هایی می‌تواند در کشوری به نام نیجریه و در واقع قلب آفریقا نیز رخ دهد... ظهور امام امید ما را برانگیخت و نشان داد که در عصر حاضر، تحقق آرزوهای ما امکانپذیر است....»

این سخنان شیخ زکزاکی برگرفته از این دیدگاه امام است که خواهان مقابله با سلطه خارجی در ایران و جهان اسلام بود. ایشان می‌گفت که تقسیم سرزمین‌های اسلامی به دولت‌های متفاوت، نتیجه یک نقشه استعمارگرانه است و برای اعاده حیثیت و حفاظت از منابع مسلمین ضروری است که حکومت‌های مستقل اسلامی تشکیل شوند و عروسک‌های خیمه شب بازی امپریالیسم از این کشورها خارج گردند.

■ **آموزش‌های اسلامی امام خمینی مرزی ندارد**

رهبر حرکت اسلامی نیجریه در ادامه سخنانش به تحلیل چگونگی تأثیر حرکت امام بر مبارزان این کشور می‌پردازد و اظهار می‌دارد: «با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹م، امید در دل گروه‌های مبارز با مکاتب فکری متفاوت ایجاد شد. بعدها بود که غرب شروع به تأثیر گرفتن کرد. آنان بعداً شروع به معرفی ایده‌های مکتب خود کردند، اما ابتدا این ایده‌ها هیچ تأثیری نداشت! مردم می‌دیدند این اسلام است که منشأ تحول شده و هیچ کس به تفاوت شیعه و سنی فکر نمی‌کرد. زمان زیادی طول کشید تا من بتوانم به مردم یاد بدهم که آموزش‌های اسلامی امام خمینی مرزی ندارد و محدود به ایران نیست. این یک نوع پیام جهانی برای تمام مردم مسلمان در کل جهان است. البته نوعی که مردم ایران قیام کردند، باعث شد مردمی که شاهد انقلاب بودند، ببینند که چگونه یک آرزوی مشترک می‌تواند جامه تحقق بپوشد. به راحتی می‌شد مشاهده کرد که چگونه همه مردم ذیل یک رهبری واحد متحد می‌شوند و به یک زبان صحبت می‌کنند و یک چیز می‌گویند و مانند یک خانواده با قدرت در برابر آزار و اذیت و تجاوز رژیم وقت - که می‌خواستند آنها را حذف بکنند- ایستاده‌اند....»

شیخ زکزاکی در ادامه سخنانش به ماهیت انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کند که در مصاف با ایده‌های دنیای کمونیستی و جهان سرمایه‌داری، توانست راه‌حل مناسبی را برای مبارزه با استبداد و استعمار ارائه دهد. همان طور که وی بدان اذعان دارد، امام تلاش کرد موجد نوعی احساس «اجتماعی شدن» در میان مردم و به خصوص عالمان شود و در این روند بر اهمیت وحدت و اقدامات جمعی تأکید داشت. ایشان معتقد بود که علما و فقها، سنگرها و دژهای اسلام هستند و اگر به حاشیه اجتماع بروند، چگونه می‌توانند از اسلام و قوانین الهی حفاظت کنند! و گوشزد می‌نمود که بسا علمای دین از وظایف خود قصور کرده‌اند!

■ **روایتی از شور و شعورِ نهفته در آغازین دیدار**

«وقتی شنیدم که به ایران سفر خواهم کرد، مطمئن بودم که این خواسته خدا بود! چون من معمولاً در پایتخت نیستم. پایتخت نیجریه لاوس است که در کنار اقیانوس اطلس قرار دارد. من اتفاقی در پایتخت بودم و اتفاقی هم پاسپورتم همراهم بود. من معمولاً به سفر خارجی نمی‌رفتم و برای پرواز داخلی هم نیازی به پاسپورت نداشتم. با این همه به من اطلاع دادند که سفیر ایران به دنبال من است تا به ایران دعوتم کند! نام او را به یاد دارم، هوشنگ محمدی بود. بالاخره با هم آشنا شدیم و دعوتنامه را به من داد. من بسیار خوشحال شدم، بنابراین به خودم گفتم زمانی که امام را ببینم، از هر طریقی که امام پیروی بکند، همان راه را خواهم رفت. من وقتی به نیجریه برگشتم، فقط در مورد اسلام و وحدت مسلمانان صحبت کردم و لزوم تلاش مسلمانان و استقرار اسلام در زندگی خودشان. فقط زمانی که مردم نزدیکم شدند، توانستند تفاوت‌ها را در عمل ببینند. هرگز نمی‌خواستم که مردم بگویند من دین جدیدی آورده ام!...»

ابعاد شخصیتی شیخ، بس گسترده است. او انسانی دوراندیش و دارای برنامه است. می‌داند از کجا آغاز کرده است و به کجا خواهد رسید. نگاهش اصلاً تفرقه افکنانه نیست و آنچه در گستره این همه سال تبلیغ کرده، اسلام ناب است، یعنی اسلامی که قرآن و اهل بیت(ع) رکن اساسی آن را تشکیل می‌دهد. شیخ زکزاکی کوشید مردم نیجریه را نه با زبان بلکه با اخلاق و زندگی بی‌آلایش خویش جذب تشیع و جنبش اسلامی کند. در سایه همین کوشش‌هاست که جمعیت شیعیان نیجریه امروزه ۲۰ میلیون نفر برآورد می‌شود! رقمی که از تعداد شیعیان در بسیاری از کشورهای منطقه غرب آسیا بیشتر است.

■ **هدیه‌ای که شیخ از امام گرفت**

دیدار شیخ با امام خمینی، یکی از نقاط عطف زندگی او به شمار می‌آید. رهبر شیعیان نیجریه درباره دیدارش با امام راحل می‌گوید: «بعد از ملاقات عمومی و همراه با مردم، این افتخار نصیب من شد که به طور خصوصی نیز نزد امام بروم. این ملاقات، فقط بین من و امام و مترجم بود. در آنجا این حدیث را برایشان گفتم که هر کس بمیرد و در گردن او بیعتی نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است! به ایشان گفتم چون در محضرشان هستم، دوست دارم با ایشان بیعت کنم! امام فرمودند: هر چند با ایشان دست می‌دهم، ولی به این معنا نیست که دست دادن همه چیز را تمام می‌کند. من باید حاضر باشم که بینش اسلامی را در خودم قوی بکنم و به دیگران هم یاد بدهم. ایشان یک نسخه قرآن آورد و اسم من را در آغاز آن نوشت و امضا کرد. البته من این قرآن را به دقت نگهداری می‌کردم و آن را زیاد می‌خواندم، اما در حملات زیادی که به محل زندگی من شد، آن را گم کردم! متأسفانه نسخه‌ای از آن نوشته ندارم و آن را به کلی از دست دادم، اما خاطره آن لحظه هنوز در قلب من هست. من می‌دانم که وظیفه‌ام این است که قرآن را بخوانم، به آن عمل کنم و به دیگران بیاموزم و این کاری است که در حد توان خودم انجام دادم....»

زکزاکی که از اهل سنتِ مالکی مذهب بود، پس از دیدار با امام خمینی شیعه شد. وی بعد از بازگشت به نیجریه مردم را با کردارش جذب تشیع کرد. در سالیان اخیر علاقه به انقلاب و امام خمینی بین مردم نیجریه به قدری افزایش یافته که شیعیان نیجریه به «خمینیون» معروف شده‌اند.

■ **«امام روح‌الله» هنوز زنده است**

از نکات در خور توجه در سخنان شیخ زکزاکی، اشاره به علاقه‌ای بود که مردم نیجریه برای شنیدن سخنان امام خمینی و آشنایی با ایشان نشان می‌دادند. چنانکه می‌گوید: «امام هنوز زنده است، چون عقایدش هنوز معتبر است. هنوز شخصیت او بر مردم تأثیر می‌گذارد. برای همین است که دشمنان به شخصیت امام حمله می‌کنند، چون می‌بینند این شخصیت بر مردم تأثیرگذار است. امام روح‌الله همان‌طور که نامشان گویاست، روح‌الله هستند. آن روح هنوز هست و نمی‌میرد. ما از زمان امام نگذشته‌ایم. وقتی در اولین سالگرد انقلاب اسلامی در سال ۱۹۸۰م، به ایران آمدم و امام را که در بیمارستان بستری بودند عیادت کردم، در آنجا هیچ ترسی از ضبط صوت وجود نداشت! ضبط صوت من، خیلی به دهان ایشان نزدیک بود و تمام صحبت‌هایشان را ضبط می‌کرد. وقتی به نیجریه برگشتم، گاهی اوقات برخی دانش‌آموزان دبیرستانی، حدود ۱۲ کیلومتر و بیشتر را به دنبالم می‌آمدند تا بتوانند کسی را ببینند که از ایران آمده و نیز به سخنان امام خمینی گوش بدهند. سالنی آنجا قرار داشت که تقریباً پر شده بود و عده‌ای بیرون بودند و برخی حتی شیشه پنجره‌ها را شکستند که من را ببینند! من صدای امام را در سالن پخش می‌کردم و سخنان ایشان را همزمان ترجمه هم می‌کردم. یادم است که امام در مورد کشتار و قتل عام مردم بی‌گناه صحبت می‌کردند و مردم نیجریه با علاقه گوش می‌دادند. فقط می‌خواهم یادآوری کنم که چقدر شخصیت امام در آن زمان و حتی امروز تأثیرگذار است....»

زکزاکی با حضور در دانشگاه‌های نیجریه و از طریق سخنرانی و پخش فیلم‌ها و تصاویر امام خمینی و انقلاب ایران، دانشجویان را به عضویت در جنبش اسلامی دعوت می‌کرد. زکزاکی از طریق این فعالیت‌ها توانست جوانان بسیاری را از شهرهای زاریا، کانو و سوکوتو جذبِ این جنبش کند. تلاش‌های همیشگی و خالصانه شیخ در آشنایی جامعه اهل سنت نیجریه با عقاید شیعه و تطبیق معارف این مذهب با آنچه در کتاب‌های حدیثی اهل سنت مطرح شده، یکی از عوامل مهم در ترویج تشیع در این کشورِ پهناور به شمار می‌رود. او طبق اندیشه امام، حولِ محوریت اسلام و تبدیل آن به یک برنامه محرک و تعیین کننده گام برداشت؛ اندیشه‌ای که بر مبنای نفی سلطه غرب، مبارزه با استعمار، وحدت جهانی مسلمین و ایجاد یک حکومت جهانی شکل گرفت.

■ **کلام آخر**

تأثیری که شیخ زکزاکی از امام خمینی می‌گیرد، آنقدر عمیق است که پس از سال‌ها، هنگامی که صندلی خالی امام در جماران را می‌بیند، اشک از چشمانش جاری می‌شود! همین علاقه و شیفتگی و ایمان قوی او باعث شد که در پی وقایع خشونت‌بار علیه شیعیان و شهادت شش تن از فرزندان خود، همچنان محکم و استوار و با روحیه انقلابی به مبارزه ادامه دهد. امام خمینی انقلاب ایران را به عنوان مقدمه حکومت جهانی اسلام می‌دانست و از مهم‌ترین دستاوردهای اسلامی این قیام را «ایجاد پیوند هرچه بیشتر بین شیعه و سنی و تشکل آنها به عنوان یک نیروی واحد و قدرتمند جهانی در برابر قدرت‌ها» معرفی می‌کرد. او اعتقاد داشت انقلاب اسلامی ایران می‌تواند با صدور ارزش‌های خویش در جهت بیدارسازی و آگاهی مسلمانان جهان گام بردارد. موج بیداری اسلامی و شکل‌گیری جنبش‌های متعدد در کشورهای مسلمان از جمله جنبش شیعیان نیجریه به رهبری شیخ زکزاکی از جمله ثمره‌های انقلاب ایران است.

زکزاکی که از اهل سنت مالکی مذهب بود، پس از دیدار با امام خمینی شیعه شد. وی بعد از بازگشت به نیجریه، مردم را با کردارش جذب تشیع کرد. در سالیان اخیر علاقه به انقلاب و امام خمینی بین مردم این کشور، به قدری افزایش یافته که شیعیانش به «خمینیون» معروف شده‌اند. جمعیت شیعیان نیجریه امروزه ۲۰ میلیون نفر برآورد می‌شود! رقمی که از تعداد شیعیان در بسیاری از کشورهای منطقه غرب آسیا بیشتر است

زکزاکی در نیجریه توانست انقلابی آرام و بدون توسل به خشونت را پیش بَرد. حرکت او، صرفاً مبتنی بر بصیرت‌افزایی بود. به توصیه اتاق فکرهای امریکا و اسرائیل، دولتمردان نیجریه برای جلوگیری از نفوذ روزافزون او بین مردم، هر روز به طرفداران وی حمله و آنها را شهید یا زخمی می‌کردند! غافل از اینکه پس از هر کشتار، نه تنها از طرفداران شیخ کم نمی‌شود، بلکه دیگر کشورهای آفریقایی نیز به خیل طرفداران وی می‌پیوندند!

شیخ ابراهیم زکزاکی در حاشیه حضور در برنامه جماران